



کلاف سردرگم آموزش و پرورش در مواجهه با فرهنگ دیجیتال

## خشتِ کج، دیوارِ کج

متین شریفی

صفحه ۲

### در این شماره | می خوانیم ...



مقدمه

برای پیشرفت کشور یکی از مهم ترین و اصلی ترین عوامل تربیت انسان است، انسانی که نظم جدیدی پدید آورد، تحول آفرینی کند، برای تربیت این انسان نهاد آموزش و پرورش در کشور ما باید متحول گردد و در این تحول ضمن هدفمند کردن آموزش، پاسخگوی پرسش ها و نیازهای دانش آموزان و نهادینه کردن فرهنگ و سبک زندگی مطلوب برای پیشرفت کشور باشد، جهت این امر شناخت آسیب ها و نقاط ضعف این نهاد و از طرف دیگر شناخت فرهنگ و شاخصه های مطلوب آن و همچنین شناخت دقیق هجمه و نفوذ فرهنگی قابل اعتنا میتواند باشد، برنامه ریزی و هدفمند کردن آموزش مجازی میتواند به مئانیت هوشمندانه آموزش و پرورش و رسانه ختم شود، آموزش و پرورش با برنامه ریزی هوشمندانه و رفع مشکلات و مصائب خود و فهم دیگری هایش میتواند تأثیرات آنان را کاهش داده و ضامن آینده کشور باشد.

**رسانه، فراسوی آموزش**  
مسئله ی آموزش و رسانه های دیجیتال

صفحه ۳

در گذرازجامعه سنتی به  
عصراطلاعات...

**رسانه شناسی: روی موج تجارت**

صفحه ۳

بازار به معنای سرمایه داری آن  
یعنی سود حداکثری ...

**شاد و انحصار آموزش مجازی!**

صفحه ۴

جهان امروز هرلحظه رو به  
تغییر و پیشرفت میگذارد...

**درهم شکستن مرزهای سنتی و  
نظم های حاکم بر روابط دیجیتال**

صفحه ۴

تنوع و شتاب اختراعات به ویژه  
فناوری اطلاعات و ارتباطات ...

**دیکتاتوری اقتصاد در آموزش**

صفحه ۵

سیطره ی عقل غربی در  
میان جوامع ...

**اهمیت برنامه ریزی  
برای تربیت**

صفحه ۵

تربیت افرادی معتقد به  
استقلال؛ استقلال فکری ...

**مصادیق تعارض منافع در  
آموزش و پرورش**

صفحه ۵

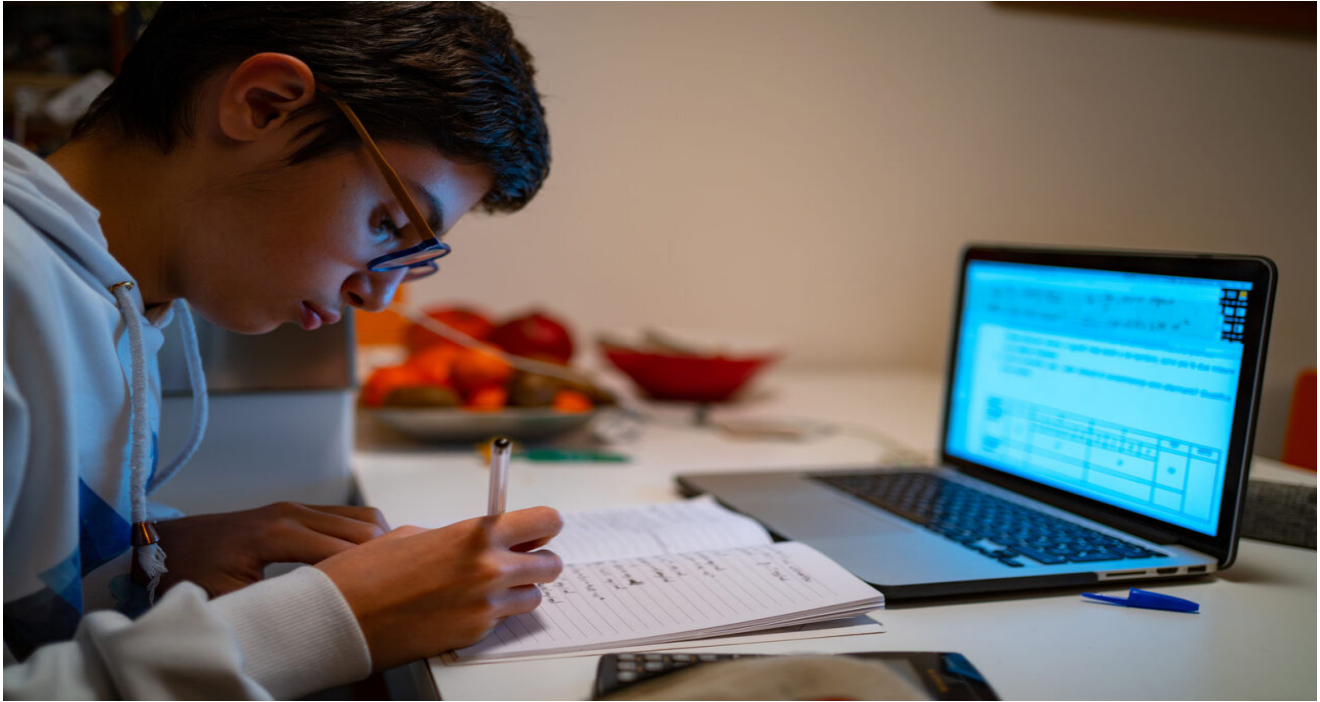
قسمت اول از سری  
اینفوگرافیک ها ...

کلاف سردرگم آموزش و پرورش در مواجهه با فرهنگ دیجیتال

## خشت کج، دیوار کج

اوضاع نا به سامان در مبدا تحول کشور

متین شریفی



سیاست های اجرایی سند موجب شده این نهاد برای تحول خود، درگیر کلافی سردرگم شود در این حال تحولات مختلف در حوزه رسانه و پدیده آموزش از راه دور در کرونا موجب شد دانش آموزان زودتر از آنچه پیش بینی میشد در رسانه های دیجیتال مستحیل شوند، هرچند پیش از کرونا نیز این تأثیرات فرهنگی در جامعه دانش آموزان رسوخ کرده بود ولیکن این شدت فراگیری بصورت یکباره این چالش چند برابر شد، این در حالیست که نظم نوین جهانی برای این شرایط برنامه داشته یا حداقل مقدمات لازم را در افراد جامعه آماده کرده، حقیقت این است که آموزش و پرورش امروزه از سرتا ذیل خود دارای ایرادات جدی است، از مسائلی مربوط به جذب و پذیرش فرهنگیان تا کم توجهی به آموزش در مدارس روستایی و همه و همه از یک عامل برمی خیزد کلی نگر و فقدان برنامه های عملیاتی و همچنین فقدان انگیزه در بدنه این نهاد موجب شده که در برابر فرهنگ و سبک زندگی برآمده از رسانه های دیجیتال و دور از شاخصه های فرهنگی مورد تأکید برای پیشرفت اسلامی دستی خالی داشته باشد و خشت اول جامعه در این نهاد، کج نهاده شود و اساساً با این اوضاع پیشرفت و تحول در کشور امری دور از دسترس و پیچیده است.

چهار دهه از انقلاب اسلامی هنوز اندر خم کوچی اول، یعنی اثبات و مفاهمی ضرورت تبیین الگوی توسعه و پیشرفت اسلامی- ایرانی مانده ایم، چه رسد به تبیین و تولید چنین مفهومی؟ از این که بگذریم سؤال بعدی این است که محور توسعه چیست و بخش اساسی که باید بر آن همت گماشت، کدام است؟ این همان سؤالی است که ما را به فلسفه ی آموزش و پرورش می رساند. وقتی به بیانات رهبری و آرمان های انقلاب نظر میکنیم متوجه می شویم شاخص هایی فرهنگی همچون دین داری، اخلاق، عقلانیت، عدالت، صداقت، ایثار و از این دست شاخصه ها که نوعاً از جنس فرهنگ هستند، برای ما موضوعیت و محوریت دارند. چرا که محوریت در توسعه ی اسلامی در میان بخش های سیاست، فرهنگ و اقتصاد با بخش فرهنگ است در حالی که در توسعه ی غربی اقتصاد، بخش محوری است؛ جهت ایجاد یا رشد این شاخص های فرهنگی ما نیازمند توسعه انسانی هستیم و این نوع توسعه مستلزم رشد و تحول در نظام تعلیم و تربیت و به طور خاص نهاد آموزش و پرورش می باشد، این نهاد تحول خود را بر مبنای سند تحول بنیادین پی میگیرد ولیکن این تحول محقق نشده، از عوامل اقتصادی و بودجه و... که بگذریم کلی نگر در

توسعه و پیشرفت کشور دغدغه همه ماست، اگر توسعه را تغییر و تکامل تدریجی و همه جانبه ی جامعه و ساختارهای آن به سمت اهداف آن جامعه بدانیم؛ کاملاً طبیعی است که تفاوت در اهداف، لزوماً نمایانگر وجود تفاوت در مفهوم، جهت، الگو، اولویت و برنامه های توسعه خواهند بود. تفاوت در الگوهای توسعه نیز به نوبه ی خود موجبات تفاوت در ساختارهای اجتماعی را به بار می آورند و این ساختارهای اجتماعی هستند که به صورت انبوه تولید نیروی انسانی مؤمن انقلابی، بی تفاوت و یا لامذهب را به دنبال دارند. بنابراین بسیار ساده اندیشانه است که بر اساس الگو و روش های توسعه ی غربی در پی ساختن جامعه ی اسلامی باشیم؛ این مقوله ای است که بیش از سه دهه مورد غفلت بدنه ی کارشناسی نظام اسلامی واقع شده و علی رغم هشدارهای مکرر رهبر معظم انقلاب اسلامی هنوز عده ای بر طبل جدایی دانش از ارزش می کوبند و به بهانه ی احترام به رهاوردهای تجربی بشری، سعی در کشاندن نظام در مسیر توسعه ی غربی داشته و رؤیای انحلال آن در اقتصاد جهانی را در سر می پروراند. البته در این باره بایستی متفکرین و علمای مسلمان و انقلابی را مورد نقد قرار داد که چرا هنوز پس از گذشت

## رسانه، فراسوی آموزش

مسئله‌ی آموزش و رسانه‌های دیجیتال

کوثر اکبری



## روی موج تجارت

بازار به معنای سرمایه داری آن یعنی سود حداکثری با هزینه حداقلی، یعنی رفع یک نیاز تولید شده نه نیاز اصلی و دقیق. رسانه‌ها با تولید این نیازهای بی سر و ته فقط در حال تغییر ذائقه و رفتار اجتماعی مخاطبان به سوی مصرف‌گرایی هستند و جز افزایش تقاضای کاذب و تضاد طبقاتی آورده‌ای ندارند. ضعف سواد مواجهه با رسانه‌ها، میزان زود باوری جامعه را نسبت به این گرداب‌ها بالا برده است. صاحب رسانه برای رفع امورات خود و پول بیشتر مجبور میشود مخاطب را رها کند و آنچه صاحب سرمایه میپسندد رعایت کند. مخاطب هم در این میان سردرگم شده و به رسانه اعتماد میکند و اینجاست که وارد چرخه مصرف‌گرایی میشود. عادات، از دل تلاش‌های مردم بیرون می‌آیند و کارکرد اصلی تبلیغات و رسانه، دستکاری عادات نظم یافته توده مردم و عقاید آنهاست. روال کار این گونه است که ابتدا عادت‌ها را در انسان نظم میدهند سپس بر آن سوار شده و دستکاری اش میکنند و در نهایت آن را به کل جامعه تسری میدهند. همچنین تورم نتیجه دستکاری نیاز واقعی مخاطبان است. ما به لباس یا تلفن همراه برای زندگی نیاز داریم ولی خرید پیراهن دو میلیونی یا گوشی سی میلیونی از جمله نیازهای کاذبی است که تبلیغات در ما ایجاد میکنند و در نهایت موجب تورم میشود در هر تبلیغی صاحب سرمایه به دنبال قانع کردن مخاطب برای خرید کالا است. گاهی اوقات به طور کامل به نفع صاحب سرمایه است. و این شکل تجارت، بدون تعارف، «دزدی مدرن» است! اما راهکارهایی از این گرداب تبلیغاتی رسانه‌ها چیست؟ بدیهی است که باید نیازهای حقیقی مان را شناخته و راه تامین آن را نیز بفهمیم. سپس در مواجهه با تبلیغات، «نگاهی منتقدانه» داشته باشیم تا قربانی سوداگری‌های سرمایه‌داران نشده و زندگی خود را بر مبنای نیازهای اولویت دار تنظیم کنیم.

مبینا گرمابدری

در گذر از جامعه سنتی به عصر اطلاعات آنچه که بیشتر از همه ملموس است چگونگی رشد، پیشرفت و گسترش رسانه‌ها است، در دنیای امروزی یکی از اساسی‌ترین دستاوردهای تمدن بشری تکنولوژی است و با ارزش‌ترین وسیله آگاهی همگانی می‌باشد؛ که بصورت شگفت‌انگیزی در حال پیشرفت است در گذشته که خبری از فناوری، اینترنت و رسانه‌های نوین و گوناگون در زندگی انسان نبود و وسایل ارتباطی انگشت شماری وجود داشت، آموزش منحصر به فضاهایی همچون مدرسه، دانشگاه و کتابخانه میشد اما امروزه به مدد رسانه‌ها موانع زمانی، مکانی و تا حدودی سیاسی و فرهنگی از میان برداشته شده است و کاربران با یک کلیک میتوانند در کمترین زمان ممکن به حجم انبوهی از اطلاعات دسترسی داشته باشند، استفاده از این امکانات در زمینه آموزش توانایی‌های بالقوه‌ای در حوزه یادگیری و یاددهی بوجود آورده است از جمله: انفرادی کردن آموزش، بهبود کیفیت تدریس، آموزش مستمر و نامحدود و... ما ابزارهایمان را میسازیم و پس از آن این ابزارها هستند که مهارت‌های ما را میسازند؛ در عصر تکنولوژی، ملاک برتری و قدرت کشورها میزان گستردگی اطلاعات، سرعت دسترسی به آنها و از همه مهمتر اطلاعات صحیح و به هنگام علمی است، در دنیای کنونی که آموزش محدود نیست، محیط مناسب یادگیری با توجه به از میان رفتن مرزها و فاصله‌ها، به کمک رسانه‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطاتی همواره در سطح وسیعی و با

انعطاف پذیری بالایی در دسترس همگان قرار دارد، رسانه‌ها حتی اگر برای آموزش نیز برنامه‌ریزی نشده باشند بصورت ناخودآگاه آموزش دهنده تلقی میشوند زیرا امروزه در تار و پود و زندگی مردم جا افتاده‌اند و فراهم آورنده دانش و ارزش می‌باشند؛ بنابراین، حوزه آموزش و پرورش با ورود رسانه‌های نوین از این تحولات مستثنی نیست چرا که آموزش فرایندی مادام‌العمر است و آموزش و پرورش هدفی دراز مدت است و این تعریف از آموزش شامل تمام فرایندهایی میشود که شخص از زمان کودکی تا بزرگسالی بصورت رسمی یا غیررسمی می‌آموزد، کیفیت بسیاری از نهادها تا حد زیادی به آموزش و پرورش بستگی دارد زیرا تعلیم و تربیت رسمی از آنجا شروع میشود. اما این نهاد تاثیرگذار دارای کمبودهای عدیده‌ای نیز هست، از جمله وابسته بودن هزینه‌های آن به دولت، کمبود زیرساخت‌ها، عدم کنترل و نظارت جدی، نظام آموزشی نابرابر کم‌اثر بودن برنامه‌های آموزشی و عدم پویایی مدیران، سطح علمی دبیران و معلمان ...

تاکید بر پرورش همه جانبه جویندگان دانش در ابعاد علمی، اجتماعی و اخلاقی جذب و بکارگیری مدیران کارآمد و توانمند، بالا بردن کیفیت آموزشی، ایجاد تعامل بین والدین و آموزگاران و ایجاد انگیزه و علاقه در دانش‌آموزان با فعالیت‌های متنوع میتواند عامل تحول در این نهاد ارزشمند باشد.

زینب صفاری

شبهه‌سازی شده‌اند، شاد کمبودها و نقایص فراوانی داشته است. نداشتن تلفن همراه مناسب، سرعت کم اینترنت، اتصال سخت به شبکه، مشکلات نصب و حضور در سامانه، مشکل احراز هویت ورود به اپلیکیشن در گوشی‌های آیفون و بسیاری دیگر از این موارد نیز مشکلاتی هستند که دانش‌آموزان و حتی معلمان را درگیر و گاه کلافه می‌کند، از دیگر نواقص آن جاماندن جمعی از دانش‌آموزان کشور از حضور در این بستر است. به ویژه کشری که به لحاظ اقتصادی آسیب‌پذیرتر است اما حال باتوجه به گذشت دو سال تجربه زیست در دوران درگیری با کرونا، امر آموزش مجازی تا کنون چطور پیش‌رفته و مدیریت‌هایی که در این زمینه انجام گرفته تا چه اندازه کارآمد بوده؟ آموزش و پرورش تأکید دارد بستر آموزش در فضای فعلی فقط از طریق شبکه شاد باشد.



اما آیا در سطح کلان می‌داند با چه طیفی از مخاطب مواجه است؟ مثلاً کارمندان و یا کارگرانی که در تعطیلات احتمالی کرونا درگیر مسائل مالی شده‌اند، تا چه اندازه توانایی تحقق دستور مدیران آموزش و پرورش برای حضور الزامی فرزندانشان در شبکه شاد را دارند؟ آن‌هم سامانه‌ای که با توجه به بررسی‌ها و مقایسه‌های انجام شده می‌توان گفت هنوز برای تدریس مجازی به طور کامل آماده نشده است!

اما چرا آموزش و پرورش اصرار دارد تمام دانش‌آموزان و معلمان را عضو این شبکه کند؟ آیا در کنار بحث آموزش، ماجرای شاد می‌تواند ابعاد دیگری همچون زوایای اقتصادی پیدا کند؟

جهان امروز هر لحظه رو به تغییر و پیشرفت می‌گذارد. رکنی اساسی از این پیشرفت در حیطه‌ی تکنولوژی‌ها رخ می‌دهد، تکنولوژی عاملی است که امروزه بخش‌های مختلف جامعه را دست‌خوش تغییر کرده و قطعا سیستم آموزشی نیز از این موج تأثیرگذاری مجزا نیست. در شرایطی که درگیری با کرونا و همه‌گیری آن آغاز شد به خوبی توانستیم نقش آن را در ارتباطات فردی و گروهی ببینیم. آموزش، مقوله‌ایست توقف‌ناپذیر، حتی در شرایط کرونایی و قرنطینه. پس بستر مجازی، جایگزین آموزش حضوری شد و این جایگزینی در نقاط مختلف با پلتفرم‌ها و برنامه‌های آنلاین مختلفی صورت گرفت که معلمان می‌توانند از طریق آنها، آموزش‌های غیرحضوری را به دانش‌آموزان ارائه دهند. هر کدام از این پلتفرم‌ها، قابلیت‌ها و ویژگی‌های مختلفی را در دسترس کاربران خود قرار می‌دهند. یکی از

قابلیت‌های مهم پلتفرم‌های آموزش مجازی مطرح در دنیا پشتیبانی از زبان فارسی در محیط پلتفرم است. تنها پلتفرم‌های BigBlueButton، Sky Room و Google Classroom دارای این قابلیت می‌باشند.

برنامه شاد (شبکه آموزشی دانش‌آموزی) که در وضعیت اضطراری بحران کرونا طراحی و عرضه شد، تلاش کرد تا کاستی‌های ناشی از تعطیلی آموزش حضوری را جبران کند. اما در این راه با مشکلاتی نیز مواجه شد. مهم‌ترین و اساسی‌ترین مشکل در راه آموزش مجازی از طریق برنامه شاد، نبود زیرساخت‌های مناسب جهت آموزش مجازی است. در مقایسه با سایر پلتفرم‌های آموزش مجازی فعال در دنیا که تا حد زیادی به محیط آموزش حضوری

### درهم شکستن مرزهای سنتی و نظم‌های حاکم بر روابط دیپلماتیک

تنوع و شتاب اختراعات به ویژه فناوری اطلاعات و ارتباطات و دسترسی همگانی زمینه ورود هر چه بیشتر افراد و سازمان‌ها به عرصه سیاست را فراهم نموده و امکان دخالت آنها در تصمیمات داخلی و خارجی هر روز بیشتر نموده است. و به تبع آن میزان و گستردگی رشد دخالت نهادها و حتی افراد از سراسر جهان در موضوعات بین‌المللی افزایش یافته است؛ چرا که سرعت و همه‌گیری فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات بسیاری از مرزها و محدودیت‌ها را علیرغم مقاومت‌ها و مخالفت‌ها در هم ریخته و مهم‌تر از آن روابط جاری در دنیای حاضر را در معرض تحولات نه‌چندان روشنی قرار داده است. گذشته از اثر غیر مستقیم فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، دستگاه سیاست خارجی و نظام دیپلماسی جهان، نیز به طور مستقیم ناگزیر به استفاده از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات شده‌اند که در اثر آن ساختار، کارکرد و لایه‌های آن نیز دچار تحولات قابل‌ملاحظه‌ای گردیده است. در پرتو فن‌آوری‌های جدید اطلاعات و ارتباطات، عرصه روابط خارجی شفاف، سیال و پویا شده و با سرعت در حال درهم شکستن مرزهای سنتی و نظم‌های حاکم بر روابط دیپلماتیک می‌باشد. هدف دیپلماسی سایر تعاملات دوجانبه بین نمایندگان منصوب دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و دیگر بازیگران بین‌المللی است که یکدیگر را برای این منظور پذیرفته‌اند. اغلب هدف چنین تعاملاتی مذاکره در باب یک توافق که توسط قانون بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است می‌باشد، قوانین دیپلماسی سنتی، مقررات دقیق و صریحی همچون کنوانسیون وین و نیز قوانین رایج دیگر را به منظور تضمین قانونی بیانیه‌ها و توافقات منعقد از سوی بازیگران بین‌المللی ارائه می‌نمود؛ حال آن‌که دیپلماسی سایر فقط در صورتی می‌تواند آترناتیو قابل قبول یا سهیم برای دیپلماسی سنتی باشد که مقررات مربوط به آن قابل تطبیق باشد. دیپلماسی سایر به آینده‌ای نظر دارد که در آن دیپلمات به عنوان یک شخص حقیقی یا ماهیت حقوقی رسماً از طریق وب‌سایت و ایمیل استوار نامه خود را به کسی که با او سروکار خواهد داشت ارائه داد و از همان طریق هم به کلیه وظایف خود عمل کند. دیپلماسی سایر می‌تواند مکمل و تا حدی متمم دیپلماسی معمول باشد.

## کلام رهبری

### اهمیت برنامه ریزی برای تربیت

[تربیت افرادی] معتقد به استقلال؛ استقلال فکری، استقلال سیاسی، استقلال فرهنگی، استقلال اقتصادی؛ جوانی که تربیت میشود در کار فرهنگی، باید به معنای واقعی کلمه اعتقاد داشته باشد به استقلال کشورش؛ مؤمن به مبانی انقلاب و نظام، مؤمن به فرهنگ اسلامی، خوش بین، خوش رویت. کار فرهنگی این است. خب، این کار آسانی نیست؛ خیلی کار سختی است. این برنامه ریزی میخواهد. بالاخره توّجه داشته باشید برادران و خواهران عزیز من، دانشگاهی‌های عزیز! بنده به دانشگاه علاقه‌مندم؛ من از دیرباز هم به دانشگاه معتقدم، هم بسیار علاقه‌مندم؛ بدانید دانشگاه و دانشجو امروز آماج بزرگ‌ترین توطئه‌ها است؛ از اینکه ما دانشگاهی داشته باشیم که دانشجوی آن، استاد آن با رویت‌های انقلابی، با رویت‌های تهاجمی وارد میدان بشود، خط‌های قرمز را که دشمنها برایش درست کرده‌اند به هم بزند، پیش برود، کشور را پیش ببرد، پرچم علم را بالا ببرد، شعارهای انقلابی را پُرنرنگ کند وحشت دارند؛ برای اینکه این اتفاق نیفتد، دارند برنامه ریزی میکنند؛ پولها خرج میکنند. دشمنان راه سلطه‌ی آینده [را] عملی نیست؛ آن چیزی هم که به آن میگفتند «استعمار نو»، حالا یواش یواش کهنه شده؛ آن چیزی که لازم است و دنبالش هستند این است که تفکرات در درون عناصر فعال و هوشمند و نخیه در یک کشور جوری بشود که اهداف آنها را برآورده کند؛ دارند برای این سرمایه‌گذاری میکنند، دارند برای این پول خرج میکنند. به این دغدغه‌ها باید توّجه کرد.

## دیکتاتوری اقتصاد در آموزش

فاطمه قربانی

اخلاقی دارد. آیا غایت نظام آموزشی غربی نیز همین است؟ مسلماً جواب این پرسش منفی است، اگر غایت آموزشی را با اعتقادات اسلامی خود سازگار کنیم، دو تحول اساسی در نظام آموزش و پرورش رخ میدهد. یکی در مواد درسی و دیگری در روش تعلیم. شناخت ماهیت نظام آموزشی کنونی نیازمند فهم ماهیت این گرایش عام یعنی توسعه یافتگی اقتصادی است. چرا که این سیستم آموزشی اساساً برای تامین نیازهای توسعه اقتصادی طراحی شده، امام خمینی (ره) با طرح مسئله وحدت حوزه و دانشگاه خط مشی آینده نهضت اسلامی را ترسیم کردند اما ما وقتی دانشگاه را جبهه‌ی نبرد و مبدا همه تحولات می‌خوانیم، یعنی از آموزش و دانشگاه مفهومی بسیار وسیع تر از آنچه در غرب معمول است دریافت می‌کنیم. ما محل تعلیم و تربیت به معنای مطلق کلمه باشد.

سیطره‌ی عقل غربی در میان جوامع، انکار ناپذیر است. روند دنیاکرایی انسان امروز مسیری را طی میکند که به غلبه‌ی اقتصاد بر سایر وجوه حیات بشری ختم میشود. نگاهی به نظام‌های اجتماعی بیاندازید، چه میبینید؟ نهاد‌های نوپایی که در جهت تامین اقتصادی فعالیت میکنند ارگان‌هایی که به فراهم سازی امتیازات اقتصادی تغییر نقش داده‌اند و انسانی که با هدف برآورد نیازهای اقتصادی تربیت میشود. جهان بر ستون اقتصاد تکیه کرده و تفکر غربی امروز مقبولیتی عام یافته. نظام آموزشی این تمدن نیز جلوه‌ای از دیکتاتوری اقتصاد یا حاکمیت سرمایه است. اما معنای آموزش و مقصود از آن چیست؟ اکنون در گوشه گوشه دنیا نظام تعلیم و تربیت تقلیدی از مغرب زمین است. ما با توجه به معتقدات اسلامی، آموزش را مترادف با تعلیم، و پرورش را مترادف با تربیت میگیریم و اینچنین از «آموزش و پرورش» همان مفهومی را اخذ میکنیم که در «تعلیم و تربیت» نهفته است. اما تعلیم و تربیت در دین ما غایتی تکاملی و

## مصادیق تعارض منافع در آموزش و پرورش - قسمت اول



صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشکده علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی (ره)

نشریه دانشجویی حنیفا

سر دبیر: متین شریفی

مدیر مسئول: امیر محمد اصغری